

پیشگامان ادبیات متعهد معاصر
سیری در زندگی، افکار و آثار عبدالرحمن کواکبی
اثر: دکتر کبری روشنفکر
استادیار دانشگاه تربیت مدرس
(از ص ۹۷ تا ۱۱۴)

چکیده:

قسمی از ادبیات عربی عصر نهضت که به فکر چاره‌اندیشی و در صدد روشنگری و تبیین چالشها و معضلات پیش روی جامعه بشری است چندان به آرایه‌های لفظی نمی‌اندیشد بلکه زیبایی را در معنا بویژه معانی بلند انسانی می‌داند. سهولت، روانی، وضوح و تأثیر عمیق از مهمترین ویژگیهای چنین ادبیاتی است.

یکی از چهره‌های برجسته این گرایش ادبی که گاه زیر شاخه ادبیات متعهد قرار گرفته و زمانی عنوان ادبیات اجتماعی را پسندیده و وقتی به عنوان ادبیات انسانی مطرح می‌گردد «عبدالرحمن کواکبی» است. وی قلم و حیات خود را در خدمت به ارزشهای انسانی قرار می‌دهد. مقاله و داستان دو بازوی نیرومندی است که کواکبی به کمک آنها می‌کوشد تا انسان معاصر را از غرقاب بحرانها بیرون کشیده، ساحل اطمینان را به وی بشارت دهد.

آزادیخواهی، استبداد ستیزی، تمسک به مفاهیم بلند قرآنی، احیای شیوه شورامداری با تکیه بر رعایت حقوق حقه مسلمانان و سنت‌شکنی از مهمترین مسائل مورد تأکید کواکبی در آثارش می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: ادبیات معاصر عربی، ادبیات متعهد، ادب عصر نهضت، عبدالرحمن کواکبی.

مقدمه:

روشنای تاریخ و امدار بزرگمردان و بلندهمتانی است که با تمام صلابت در مقابل ستم قد علم کرده با سلاح بیان، روشنگری را به جامعه بشری ارمغان بخشیدند؛ اندیشمندانی که تنها خواسته آنها از دنیا سامان فکری نسل بشری و برافروختن مشعل آزادی در روانها و جانهاست.

مشرق زمین که همواره مهبط نور و تجلای هدایت الهی و صحنه ظهور نخبگانی بیتا بوده که پیامشان سراسر اصلاحات است در قرن نوزدهم میلادی پذیرای احیاگران تفکر اصلاحگرایی است. «سید جمال... [۱۸۳۹-۱۸۹۷] از اسدآباد همدان... بدون اینکه وابسته به هیچ طبقه‌ای، خانواده‌ای، حزبی یا گروه و دسته‌ای باشد... در عصری که استعمار غرب در اوج سلطنت جهانی و شرق در حضيض خواب خرگوشی آن هم در جامعه‌های اسلامی... فریادی از حلقوم تنهایش برمی‌آورد همچون صوراسرافیل و ملتهای مسلمان کفن بر خویش می‌درند و از قبرستان سکوت و رکود برمی‌شورند.» (CD شریعتی).

روند اصلاحات توسط شاگردان او دنبال می‌شود؛ محمد عبده (۱۸۴۹-۱۹۰۵م) عبدالرحمن کواکبی، مسعود زغلول (۱۸۵۷-۱۹۲۷) و محمدرشیدرضا (۱۸۶۵-۱۹۳۵) و... چهره‌های سرشناسی هستند که می‌کوشند جرقه‌ای که سیدجمال روشن نموده به مشعلی فروزان بدل کنند تا به برکت آن طومار استبداد داخلی و استعمار خارجی در هم نوردیده شود.

در آستانه یکصدمین سالگرد وفات و به تعبیر صحیح‌تر شهادت سیدعبدالرحمن کواکبی؛ ادیب آزادیخواه و متفکر سیاسی عرب این مقال بر آن است تا با مروری بر اندیشه، آثار و عوامل مؤثر بر افکار وی، نقش مثبت او را در بیداری جامعه اسلامی ارج نهد.

عبدالرحمن بن احمد بن مسعود کواکبی ملقب به «سید فراتی» به سال ۱۸۴۵م در

حلب در خانواده‌ای سرشناس و مشهور به علم و ایمان متولد شد. پدر وی از چهره‌های برجسته علمی و فرهنگی و مدیر و معلم مدرسه کواکبیه و مدرس جامع اموی حلب بود که نسبش به حضرت علی (ع) رسیده و مادر که کودک بیش از شش سال از نعمت وجودش بهره‌مند نشد دختر مفتی انطاکیه و زنی فاضل بود که نسب وی به امام باقر (ع) می‌رسید. همچنین در تاریخ آمده که وی از ذریه صفی‌الدین صفوی اردبیلی است که خاندان وی از ایران به سوریه مهاجرت نمودند. صفی‌الدین صفوی مؤسس دولت صفویه در ایران است.

(ادونیس و خالد سعید، «الکواکبیه» ص ۲۱۷ و عبدالکریم الاشر، تعریف بالثر العربی الحدیث، ص ۱۳۱، انیس المقدسی، الاتجاهات الادبیه ص ۱۰۹، سلیم ناصر برکات، دراسات فی الفکر العربی الحدیث و المعاصر، ص ۱۵۵، اسعد سمحرانی، مقدمه طبائع الاستبداد للکواکبیه ص ۱۹، حنا الفاخوری، الجامع، الادب الحدیث، ص ۸۴ و لويس شیخو، تاریخ الادب العربیه، ص ۳۲۴)

مدارس حلب و انطاکیه در نیمه دوم قرن نوزدهم پذیرای کودکی بود که عمر خود را وقف اندیشه‌هایی نو و آرمانی نموده و پایه‌های استبداد را لرزاند. سالهای نوجوانی و آغاز جوانی را پای درس علمای بنام نشسته علوم دینی، طبیعی، ریاضی، تاریخ، زبان (عربی، ترکی، فارسی)، فلسفه، سیاست و حقوق را از ایشان فراگرفت و از طریق ترجمه با آثار ادبا و اندیشمندان غربی آشنا گردید. (سلیم ناصر برکات، پیشین، ص ۱۵۵).

اولین تجربه علمی-فرهنگی او با سردبیری مجله دولتی «فرات» که به دو زبان عربی و ترکی منتشر می‌شد به بار نشست. پس از آن با همکاری «هاشم المطار» روزنامه شهباء را که تنها به زبان عربی عرضه شد راه‌اندازی کردند اما چندی نگذشت که شانزدهمین شماره شهباء به خاطر انتقادات سختی که متوجه دولت بود زیرسؤال رفت. کواکبیه از پای نشست و روزنامه اعتدال را به دو زبان عربی و ترکی منتشر نموده اما وجود سخنان نو و حاکی از آزادیخواهی، انجام اعتدال را به شهباء

گره زد.

نکته‌بینی‌های سید فراتی بیشتر متوجه سیاست استبدادی عبدالحمید دوم، سلطان وقت (۱۸۷۶-۱۹۰۹)، وزراء، امیران و والیان وی بود که سرزمینهای اسلامی را با بی‌سیاستیهای خود به چالش می‌کشاندند. برای خاموش کردن جرقه‌های این روشنگری، حکومت راه مدارا پیش گرفته به وی پیشنهاد مشارکت در امور دولتی؛ از عضویت افتخاری در وزارتخانه‌های معارف و اقتصاد (سال ۱۸۷۹) تا عضویت در دیوان تجاری و ریاست اتاق بازرگانی و شرکت در پروژه‌های عمرانی و تجاری گردید. در همه این مشاغل، لیاقت و کفایت و جانبداری از حقوق مردم شیوه و سیره وی بود. در سال ۱۸۸۶ از سمتهای دولتی کناره گرفته با تأسیس دفتر حقوقی به مساعدت حق‌خواهان و دستگیری مظلومان کمر همت بست آنچنان که در نزد مردم به «ابوالفقراء» ملقب گردید (حنا الفاخوری، پیشین، ص ۸۶).

روند فعالیت‌های انسان‌دوستانه عبدالرحمن به دل همکاران و دست‌اندرکاران ننشسته بلکه خشم آنها را برانگیخت. آنها می‌دیدند که زمین گذاشتن قلم به معنای تعطیل در کار و افکار نبوده پیوستن به جرگه دولتمردان به این قصد بود تا منش اصلاح‌گرایانه با عمل در هم آمیزد بنابراین بد وی چنان به دربار منعکس شد که سبب خشم حمیدی شده اموالش مصادره و خود رهسپار زندان گردید. (مقدمه اسعد السمرانی، پیشین، ص ۲۱، حنا الفاخوری، پیشین).

در سال ۱۸۹۲م بار دیگر حکومت از در مصالحه درآمده فرمانداری حلب به وی پیشنهاد گردید و همراه با آن کاروان اصلاحات بار دیگر به حرکت درآمد. تخصص و صداقت دو ویژگی مثبت عبدالرحمن بود که وی را به ریاست بانک کشاورزی و ریاست غرفه بازرگانی کشانده در همه این فرصتها او از خود چنان کارآیی و مدیریتی نشان داد که عملاً برای اصطلاح اصلاح‌گرایی تعریفی روشن ارائه نمود.

کواکبی خسته از تنگ‌نظریها بار دیگر از خدمت دولتی دست شسته این بار قصد

سفر به استانبول نمود گشت و گذار در سرزمینهای اسلامی و شرقی قدم بعدی او بود. به مصر، عربستان، شرق افریقا، هندوستان و سواحل چین سفر کرده سرانجام در سال ۱۸۹۹ در مصر رحل اقامت افکند.

سفرهای سید فراتی در حقیقت جستجو به دنبال رد پای آزادی بود. کاوش در عمق تاریخ امتهای آشنا به آشنایی با اوضاع اجتماعی و اقتصادی ملتها انجامید و مصر که با روی خوش از وی استقبال نمود پذیرای نشر اولین اثر وی به نام «ام القری» و اثر بعدی وی «طبائع الاستبداد و مصارع الاستعباد» گردید.

حضور او در مصر راهی برای علنی کردن افکار اصلاح طلبانه و هجرت وی پاسخی به ندای آزادیخواهان قرآنی است که می فرماید: «ألم تکن ارض الله واسعة فتها جروا فیها؟» (۹۷/نساء) عبدالرحمن خود در این باره گفته است: «والغالب ان رجال الاستبداد یطاردون رجال العلم و ینکلون بهم، فالسعید منهم من یتمکن من مهاجرة دیاره و هذا سبب ان کل الانبیاء العظام علیهم الصلاة والسلام و اکثر العلماء الاعلام و الادباء النبلاء تقلبوا فی البلاد و ماتوا غرباء» (طبائع الاستبداد، ص ۵۴).

نشستن پای درس سید جمال و محمد عبده وی را در جرگه آزادیخواهان عصر قرار داده مطالعه دقیق زندگی روزمره مردم وی را در جامعه شناسی و تاریخ نگاری متبحر نموده آشنایی با رشیدرضا و محمد کرد علی (۱۸۷۶-۱۹۵۳م) نیز جسارت وی را برای عرضه افکار نو بیشتر نمود. (الجامع، پیشین، اسعد السمرانی، مقدمه طبائع الاستبداد، ص ۲۱، الزرکلی، الاعلام، ج ۳، ص ۲۹۸، ادونیس، پیشین، صص ۲۱۸-۲۱۹، سلیم ناصر برکات، پیشین، ص ۱۵۶، لويس شیخو، پیشین، ص ۳۲۴).

کواکبی در دو اثر مشهور خود در هیئت طبیبی دردشناس جلوه نموده که پس از تشخیص بیماریهای جامعه به درمان می پردازد. «طبائع الاستبداد» بیانگر ویژگیهای حکومت جور بوده و ام القری ترسیمی از مدینه فاضله کواکبی است که بر پایه اندیشه اسلامی بنیانگذاری شده است.

عبدالرحمن کواکبی قبل از نشر اثر دیگری به گونه‌ای غیرمنتظره در ۱۴ ژوئن سال ۱۹۰۲ جهان پر دغدغه را ترک نموده آزادی و آزادیخواهی را به سوگ خود نشانده. در علت مرگ وی گفته‌اند که او به دستور عبدالحمید مسموم و در پی آن به شهادت رسیده است. (سلیم ناصر برکات، پیشین، ص ۱۵۸، ادونیس، پیشین، ص ۲۲۱، اسعد السمرانی، پیشین، ص ۲۲، حنا الفاخوری، پیشین، ص ۸۶).

گرچه این تحقیق به دنبال آن است که هنر نبشتاری را ارج نهاده با بررسی فعالیت‌های ادبی یکی از چهره‌های شاخص عصر نهضت، ویژگی و سبک نگارش وی را برآورد نماید اما از سوی دیگر بازگویی توان تأثیرگذاری ادبیات بر نسل پسین یا هم‌دوره خود می‌باشد. به این ترتیب جایگاه مثبت قلم که سزاوار قسم و تقدیر الهی گردید (قلم - آیه ۱) به طور شفاف آشکار می‌شود.

بررسی دو اثر مهم و جاوید کواکبی از نظر مضمون و سبک ادبی ما را هر چه بیشتر در ترسیم تصویری واضح از شخصیت و افکار نویسنده آن یاری می‌دهد.

بررسی آثار کواکبی:

در کنار مقالات مختلف سیاسی-اجتماعی کواکبی که در روزنامه‌های فرات عربی، شهباء و اعتدال منتشر می‌گردید، وی به تألیف کتابهای طبائع الاستبداد، ام‌القری، صحائف قریش و العظمه لله پرداخت که چاپ و نشر دو کتاب نخست در قلمرو حکومت عثمانی ممنوع گشته و دو اثر دیگر هیچگاه به دست خوانندگان نرسید (عبدالکریم الاشر، تعریف بالشر العربی الحدیث، ص ۱۴۲).

«ام‌القری»

اولین اثر ماندنی کواکبی ام‌القری است که در واقع شامل قسم عظیمی از افکار اصلاح‌گرایانه رایج در عصر کواکبی است. (عبدالکریم الاشر، پیشین) ام‌القری داستانی

است که در آن نویسنده به شیوه تعلیمی (عبدالسلام محمد الشاذلی، شخصیه المثقف فی الروایة العربیة الحدیثة، ص ۵۸) عده‌ای روشنفکر مسلمان از قشرهای گوناگون اهل قلم، علم و معرفت را در مکه مکرمه -ام القرای مسلمانان- در سال ۱۳۱۶ هـ ق گرد هم آورده تا با به شور گذاشتن قضیه انحطاط مسلمانان، راه نجات امت عربی و جهان اسلام را از یوغ ستمشاهی عثمانی و استبداد اجتماعی-سیاسی و فکری موجود در دوران معاصر جويا شوند.

دو ویژگی بارز «ام القری» یکی وجود گفتگوهای بر پایه تسلسل منطقی است که در قالب یادداشت و ثبت خاطرات روزانه طرح می‌شود و دیگری تحلیل روانی تک تک شخصیت‌هایی است که متعلق به نژاد، جنس و زیستگاه‌های مختلفند. در این بُعد می‌بینیم که شخصیت‌های بادیه‌نشین چون دانشمند نجدی یا یمنی، نسبتاً از روحیه‌های مشابهی برخوردارند در حالی که علامه مصری و سید فراتی (اسمی که نویسنده در داستان برای خود انتخاب کرده) متعلق به شهر و از لحاظ روحی تقریباً بر هم منطبقند. در عین حال وجود روح وحدت در همه شخصیت‌ها آنها را خویشاوند یک خانواده قرار داده است زیرا که همگی در پیشگاه امت و جهان، نماد دیدگاه فکری واحد و هدفی واحد هستند (عبدالسلام الشاذلی، همان، ص ۵۸).

هر یک از شخصیت‌های داستان نامی مستعار دارند که می‌تواند بر شخصیت‌های مسلمان حقیقی و حقوقی عصر وی منطبق باشد هم چنانکه سید فراتی نام خود اوست. او ۲۲ اندیشمند اسلامی از شام گرفته تا قدس، اسکندریه، مصر، یمن، بصره، نجد، مدینه، مکه، قدس و فاس تا انگلیس، کردستان، تبریز و جمهوریهای شمال دریای خزر را گرد آورده تا با همفکری و تبادل نظر چالش‌های جامعه اسلامی را به بهترین شیوه به انجام رسانند. در این داستان افکار اصلاح‌گرایی دینی سید جمال و شیخ محمد عبده و عقلانیتی آزادخواه و ظلم‌ستیز چیره است. خواندن صفحه اول کتاب، موضوع بحث، موضع نویسنده در قبال خوانندگان و

تکلیف خوانندگان را در دنبال کردن بحث با قلمی شیوا مشخص می‌کند. کواکبی در آغاز می‌گوید: «ایها الواقف علی هذه المذکرات: اعلم انها سلسله قیاس لایغنی اولها عن آخرها شیئاً وانها حلقات معان مرتبطة مترقبة، لایغنی تصفحها عن تتبعها، فان كنت من اهل الهدایة و فیک نشأة حیاة و دین و شمة مروءة فلاتعجل بالنقد حتی تستوفی مطالعتها و تعی الفواتح و الخواتم، ثم شأنک و رأیک.

اما اذا كنت من أمة التقليد و أسراء الاوهام بعيداً عن التبصر لاتحب ان تدری من انت و في ای طریق تسیر و ماحق دینک و نفسک علیک و الی ماذا تصیر فتأثرت من كشف الحقائق و دبیب النصائح و شعرت بعار الانحطاط و ثقل الواجبات، فلم تطق تتبع المطالعه و تحکیم العقل و النقل فی المقدمات و النتائج، فأناشدک الاهمال الذی ألفناه ان تطرح هذه المذکرات الی غیرک لیری فیها رأیه. ناشرها السيد الفراتی» (الکواکبی، ادونیس و خالدہ سعید، ص ۱۶۳).

در اینجا شیوه بیان فصیح نویسنده به ویژه استفاده از صنایع لفظی مقبول، بر دل خواننده نشسته، سبک خاطره‌نویسی به کمک نویسنده می‌شتابد تا پیگیری خواننده را به دنبال داشته محدود کردن بحث و ختم مطالب جدلی بعد از هر چند صفحه ملالت کلام را به صفر می‌رساند.

گرچه ام‌القری نه داستان به معنای فنی آن است و نه ذکر خاطرات روزانه اما هر دوی آنها را شامل می‌شود.

از سویی با یک دید کلی به کتاب می‌توان دریافت که کواکبی از آغاز تا پایان کتاب به دنبال اندیشه‌سازی نظامی مبتنی بر شورا و زمینه‌ساز تفکر پان‌عرب‌یسم است که بعدها توسط ساطع الحصری (۱۸۸۰-۱۹۶۹) قوام بخشیده شد.

شعار کواکبی، سازماندهی یک حکومت اسلامی بر مبنای خلافت عربی و با مرکزیت جزیره العرب است. او در توجیه این شعار، دلایلی چند را برمی‌شمرد:

۱- جزیره العرب پایگاه و مهبط دین اسلام بوده است.

۲- ویژگی بادیه‌نشینی به عربهای جزیره، بنیه و غیرت بیشتری بخشیده است.
۳- زبانشان کاملترین زبان معرفت و در بین مسلمانان فراگیر بوده به فیض وجود قرآن نامیرا و جاوید است.

۴- فرهنگ شورا در بین آنها به عنوان یک اصل پذیرفتنی است. (انیس المقدسی، الاتجاهات الادبیه، ص ۱۰۹-۱۱۰)

از پس چنین افکار ملی‌گرایی، دغدغه جدی ادبیات عربی شده شعور عمومی با شدت بیشتر جریان و سریان می‌یابد.

از سویی می‌بینیم اصلاح‌گرایی از دیدگاه کواکبی ابعاد مختلفی می‌یابد. اصلاح ساختار سیاسی و اداری کشور با سیراب شدن از آبشخور تجربه کاری وی با اصلاح دینی گره خورده تجلی آن در ام‌القری ظهور می‌کند.

با وجود مشاهده برخی تعصبات دور از منطق (حکومت اسلامی بر مبنای خلافت عرب، بنیه و غیرت بیشتر در بادیه‌نشینان و...) می‌توان گفت ام‌القری گامی است پیش روی جوامع اسلامی که با بحرانهای گوناگون مواجهند، دوری از جهل، جمود فکری، بدعت، استبداد، چنددستگی و فساد اخلاقی، اندیشه چاره‌ساز حاکم بر ام‌القری و نیز اثر دیگر کواکبی است.

گرچه ام‌القری به ظاهر مسائل خاص حکومت عثمانی را مطرح نموده اما ذهن جامع‌نگر کواکبی به این اثر ارزش جهانی بخشیده محدودیت زمانی و مکانی را در آن به حداقل می‌رساند. هم‌چنین بازخوانی دقیق دو اثر جاوید کواکبی، خواننده را به وضوح با چالشهای موجود در حکومت عثمانی در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم آشنا می‌سازد.

ام‌القری به خاطر انسجام و پیوستگی فکری، روشنی هدف، حرارت روح و قوت بیان، بالاترین ارزشگذاریها را سزااست و از سویی حاکی از قدرت نثر معاصر عربی در بیان اهداف سیاسی - اجتماعی عصرنیزمی باشد. (عبدالکریم الاشر، پیشین، ص ۱۴۳).

کواکبی در ام‌القری داستان نمی‌بافد بلکه با الگو قرار دادن شیوه قرآن کریم، ادبیات متعهد را در روانترین اسلوب آن یعنی داستان به گونه‌ای متفاوت، هدفدار و به دور از هرگونه ابتذال عرضه می‌دارد. در این کتاب، نویسنده با استفاده از قالب داستان، توجه مخاطبان را که بیشتر از قشر متوسط و عوام جامعه هستند به خود جلب می‌کند.

کواکبی در ام‌القری عوامل انحطاط مسلمانان را با استنتاج از سخنان شرکت‌کنندگان در گردهمایی به سه دسته از مسائل برمی‌گرداند؛ عوامل دینی، اسباب سیاسی و مسائل اخلاقی. او ضمن دسته‌بندی این عوامل آنها را به دو گروه اصلی و فرعی تقسیم نموده چالشهایی که ریشه در دین دارند در ۲۳ مورد خلاصه نموده مسائل سیاسی را همچون مشکلات اخلاقی به شانزده مورد موجز منحصر می‌نماید.

وی در ادامه یک سری مسائل اداری و حکومتی را برمی‌شمارد، (شماره ۵۷ تا ۷۷) و در خارج از این چهارچوب نیز مسائل گوناگونی را ذکر می‌کند. (شماره ۵۷ تا ۷۷) و در خارج از این چهارچوب نیز مسائل گوناگونی را ذکر می‌کند. (شماره ۷۸-۸۶) و سپس با یک سخنرانی اختتامی به جمع‌بندی موارد فوق و ذکر موارد مهم می‌پردازد.

به گفته سید فراتی بزرگترین علت انحطاط بی‌تدبیری و سوء مدیریت اقتصادی است. (ام‌القری، مجلس هشتم).

همچنین از مهمترین اسباب اخلاقی انحطاط، بی‌مبالاتی در امر زنان به ویژه در تربیت آنان است. کواکبی می‌گوید: «إنَّ ضرر جهل النساء و سوء تأثیره فی اخلاق البنین و البنات امر واضح غنی عن البیان.» (ام‌القری، همان) «و ربما كان اكبر سبب لانحلال اخلاق الامراء المسلمين اتاهم من جهة الامهات والزوجات السافلات اذ كيف يرجی من امرأة نشأت سافلة رقیقة ذلیلة ان تترك بعلمها و هو فی الغالب أطوع لها

من خلخالها ان يجيب داعى شهامة او مروءة او ان تغرس فى رؤوس صبيتها أصيالا سامية او تجسمهم على اعمال خطيرة؟ كلا لا تفعل ذلك ابدأ. انما تفعله الشريقات اللاتى تجدن فى انفسهن عزه و شهامة...» (همان)

او همچنين آینده را در گروه همت جوانان می داند؛ همانها که اصول اساسی اسلام را بپا داشته و از منہیات دوری می گزینند و آزادگانی که فخرآفرینان اجدادشان هستند؛ همچنانکه کواکبی در فرازی از سخنان خود می گوید: «... رای القوم عن شبابهم، الذین یفتخرون بدینهم فیحرصون على القيام بمبانیہ الاساسیة، نحو الصلاة والصوم و یجتنبون مناهیه الاصلیه نحو المیسر و المسکرات. الذین لایقصرون بناء قصور الفخر على عظام نخرها الدهر و لایرضون ان یكونوا حلقة ساقطه بین الاسلاف و الاخلاف، الذین یعلمون أنهم خلقوا أحرارا فیأبون الذل و الإسار،... الذین یحبون وطنهم حب من یعلم انه خلق من ترابه. الذین یعشقون الانسانیة و یعلمون ان البشریة هی العلم و البهیمة هی الجهالة...» (همان).

به اعتقاد وی تشویق به وطن پرستی، جهل ستیزی و علم گرایی از مهمترین عناصری است که مایه موفقیت جامعه است. از طرفی همه اینها باید در خدمت بشر و مایه سودمندی باشد همانگونه که وی با استناد به احادیث اسلامی بر آن تأکید می ورزد: «الذین یعتبرون ان خیرالناس انفعهم للناس.» (همان).

«طبائع الاستبداد و مصارع الاستعباد»:

مقالات کواکبی سراسر تحلیل و روشنگری است. همه آنچه را که در ام القری در قالبی رمزگونه بیان داشته بار دیگر با صراحت و با دقت علمی تمام در طبائع به تفصیل می نشیند و این هر دو کتاب سندی تاریخی در تبیین نهاد جامعه در عصر عثمانی می گردد.

گفته می شود «طبائع» برداشتی از کتاب الاستبداد ویری نویسنده و متفکر مشهور

ایتالیایی در قرن هیجده میلادی است (عبدالکریم الاشر، پیشین، ص ۱۳۱) این گفته را کواکبی خود در مقدمه کتاب با این عبارت تایید می‌کند: «... منها ما درسته و منها ما اقتبسته...» (طبائع، ص ۲۵).

آغازین صفحه کتاب حدیثی است بین شداد و پسرش عنتره (حدود ۵۲۵-۶۱۵م) که تاریخ و ادب عربی آن را برای همیشه زمان در دل خود ماندگار نموده است. سخن از سیره بنده‌ای زنگی و بی‌نسب است که رویای آزادی و آزادگی را تحقق می‌بخشد:

«قال شداد لابنه عنتره فی حرب داحس والغبراء عند ما دارت دائرة علی قومه بنی عبس «ویلك عنتره کرّ» فاجابه العبد الاسود:

«ان العبد لایحسن الکر و الفرّ.»

فقال له والده الذی کان حتی ذلک التاریخ یرفض الاعتراف بابنه الاسود:

«کرّ و انت حرّ»

عند ذلک انقضّ عنتره علی الاعداء

غیرمبال بالموت

فردهم عن قومه...»

و منذ ذلک التاریخ اصبح فارس بنی عبس

و عرف فی التاریخ أفضل بطل شعبی

و مازالت سیرته تتلی و تدرس فی مختلف الاوساط

ولدی معظم الشعوب.»

چنین بראعت استهلالی نوعی شیوه غیرمستقیم آموزش آزادیخواهی و حاکی از شناخت نویسنده با مسائل تربیتی است. چرا که یادآوری مفاخر و تجربه گذشتگان یک ملت راهی برای تکرار تجربیات مثبت آنها است.

از سویی کواکبی که در همه جا برای تقویت آراء و افکارش از آیات و احادیث

اسلامی مدد می‌جوید در اینجا و در آغاز کار از اعتبار عنتره، پهلوان شاهنامه عرب استفاده می‌کند تا با یادآوری این اسطوره که در نظر عربها قدمتی بیش از اسلام دارد حمیت و غیرت آنان را متأثر نموده ابتدا بر دیدگاههای خود صحنه ملی نهاده سپس با رعایت روال تاریخی با صحنه دینی نهادن بر آنها قطعیت آن را برساند.

کتاب «طبائع» که در سال ۱۳۱۸ هـ ق تألیف شده با مقدمه‌ای در باب سیاست و با تعاریفی دقیق از استبداد آغاز شده با هشت مقاله ادامه می‌یابد. نویسنده پس از شرح واژه استبداد و توضیح مفصل، جلوه‌های آن را در دین، علم، مجد، مال، اخلاق، تربیت و ترقی جسته با بررسی ارتباط هر یک از این عناصر با استبداد در نهایت راههای خلاصی از استبداد را به بحث می‌نشیند.

او در تألیف کتاب از شیوه علمی - ادبی استفاده می‌برد که به طور مختصر به مواردی از آن اشاره می‌شود:

۱- ارائه تعاریف دقیق از واژگان، تعریف نویسنده از استبداد (طبائع، ص ۳۰) و تعاریف متفاوت از استبداد توسط صاحب نظران؛ (طبائع، صص ۳۳ و ۳۴)، کاربرد واژه اصلاحات در قرآن (طبائع، ص ۴۹) تعریف عوام (طبائع، ص ۵۲)، تعریف اصلاء = آقازادگان (طبائع، ص ۶۰)، تعریف پروتستانت (همان، ص ۴۰) و...

۲- استشهاد به آیه‌های قرآن و تفسیر آیات که نشانگر اطلاعات علمی و اسلامی وی می‌باشد (طبائع، صص ۴۱، ۴۲، ۴۷، ۶۵ و...).

۳- اثبات اعجاز علمی قرآن (طبائع، صص ۴۷-۴۹).

۴- استفاده از آرای مشهور و نقد نظر صاحب نظران (ص ۵۲... و علی هذه القاعدة بنی ابن خلدون قوله: «فاز المملقون»...).

۵- شیوه خلاصه کردن مطالب، (ص ۴۵): «والخلاصه ان البدع التي شوشت الايمان و شوهت الاديان تكاد كلها تتسلسل بعضها من بعض و ترمى جميعها الى غرض واحد هو المراد و الاوهو الاستبداد ص ۵۴» «والخلاصه ان الاستبداد والعلم ضدان متغالبان» و نیز ص ۵۲ و ۵۹ و...).

- ۶- ذکر مواردی از تورات و انجیل که نشان دهنده درایت نویسنده و مطالعه دیگر کتب آسمانی است (ص ۳۰، ۳۵، ۳۹ و...).
- ۷- ذکر آراء جدید در اسلام (ص ۳۶-۳۷ و...).
- ۸- ذکر مشاهیر ملتها (ص ۲۷) تاریخ اساطیر مصر، یونان و آشنایی با فرهنگ ادیان قدیم (ص ۳۸، ۳۹، ۵۳ و ۵۸).
- ۹- آشنایی با اسرائیلیات (ص ۴۴-۴۵).
- ۱۰- آشنایی با مسائل سیاسی جهان معاصر (ص ۳۲-۶۰).
- ۱۱- آشنایی با شیوه تاریخ تحلیلی (ص ۵۳).
- ۱۲- استفاده از شیوه تقسیم و دسته بندی (ص ۵۷).
- ۱۳- استفاده از اسلوب قرآنی (ص ۶۰-۶۶-۶۷).
- ۱۴- استفاده از ویژگیهای فنی چون شیوه استفهام (ص ۳۰-۳۴-۴۲-۵۲-۵۶ و...).
- ۱۵- استفاده از اسلوب تشبیه برای تقریب به ذهن (ص ۶۱).
- خلاصه آنکه زبان کواکبی در طبائع و نیز ام القری زبان ایدئولوژیک است. او اساس و معیار اندیشه خود را بر دو رکن اصلی اسلام یعنی قرآن و سنت پایه گذاری نموده است. از این رو آیات و احادیث در گفتار او موج می زند. به سخن دیگر کار او و خوانش به روز و کارآمد پیشامتنها است. این پیشامتنها از یک سو کلام مقدس (قرآن-سیره) و از سوی دیگر نظریات سیاسی-اجتماعی زمان است.
- بحث در مورد تک تک مقالاتی که کتاب طبائع آن را در دل خود جا داده فراغتی بیش از این مقال می جوید. کواکبی نمادهای انسانی را تک تک با معیار آزادگی محک زده و سره را از ناسره باز می شناساند. بازخوانی همه کتاب ما را به این نتیجه می رساند که او «جهل» را عامل اساسی ظهور و بروز استبداد می داند (برای نمونه ر.ک.: طبائع ص ۵۱-۵۲ و...).

عبدالرحمن گرچه عامل بروز استبداد را تنها در جهل استعمارشوندگان خلاصه می‌کند. اما در پی وقوع این چالش، عوارض سوء متعددی را ذکر می‌کند: وجود جوّ اختناق (ص ۳۲)، ظهور فرصت‌طلبان و تملق‌گویان (ص ۵۲)، فرار مغزها و سرمایه‌های علمی و اقتصادی و مرگ انگیزه‌های انسانی (ص ۱۰۲-۱۰۳) انحطاط (ص ۱۱۲) و بردگی فکری (ص ۴۵-۴۶)، خاموش شدن چراغ علم (ص ۵۲) و شیوع رشوه‌خواری و سودجویی (ص ۶۹) از مهمترین عوارض سرطان استبداد در دید کواکبی است.

در آخرین مقاله، مؤلف ضمن برشمردن راههای رهایی از استبداد به ذکر شاخصه‌هایی می‌پردازد که توجه به آن ضرورت جامعه بشری در هر زمان و در هر جایی است. آگاهی و شناخت (ص ۳۴) رجوع به قرآن و سیره پیامبر و خلفا (ص ۴۲)، آشنایی با علم انسان‌شناسی (ص ۵۱)، حسابرسی و حساب‌خواهی از دولت (ص ۵۲)، اعتقاد به اصل توحید لا اله الا الله (ص ۵۵) راههایی است که ضمن کتاب پیش پای خواننده گشوده می‌شود. در بحث شیوه‌های رهایی از استبداد او ابتدا ۲۵ موضوع سیاسی-اجتماعی را برای بحث و بررسی معرفی می‌نماید و در باب موضوع بیست و پنجم که همان گریزگاه از استبداد است او می‌گوید:

«... اقتصر علی بعض الکلام فیما يتعلق بالمبحث الاخیر منها فقط، أعنی مبحث السعی فی رفع الاستبداد فأقول:

- ۱- الامة التي لا يشعر کلها او اکثرها بالآلام الاستبداد لاتستحق الحرية.
- ۲- الاستبداد لا يقاوم بالشدة ائما يقاوم باللين و التدریج.
- ۳- يجب قبل مقاومة الاستبداد تهيئة ماذا يستبدل به الاستبداد. (ص ۱۴۰).

در پایان مقاله به شیوه نتیجه‌گیری و خلاصه که در همه جا پیگیر آن است می‌گوید:

«والحاصل ان من الضروري تقرير شکل الحكومة التي يُراد و يمكن ان يستبدل بها الاستبداد(ص ۱۴۴)».

به اعتقاد او قبل از سرنگونی استبداد باید با درایت به فکر زمینه‌سازی ظهور حکومتی بر پایه عدل بود. همه امت باید به مرحله پختگی برسند و همگی خواهان رهایی از نوع استبداد باشند: «و یبقی تحت محض العقول سنین و اعواماً حتی ینضج تماماً و حتی یتدی ظهور التلهف الحقیقی علی نوال الحریرة فی الطبقات العلیا و التمنی فی الطبقات السفلی... فحینئذ تکنون الامة قد استعدت طبیعتاً لقبول اصول ان تحکم نفسها بنفسها... و المستبد فی تلك الحال لایسه الا الاجابة طوعاً او کرهاً.» (۱۴۴-۱۴۵)

کتاب «طبائع» با حکمتی برگرفته از متن اسلام به پایان می‌رسد: «وانی اختم هذا البحث بانّ الله جلّت حکمته قد جعل الامم مسؤولة عن اعمال من حکمته علیها و هذا حق فاذا لم تحسن امة سياسة نفسها اذله الله لامة اخرى تحکمها کما تفعل الشرائع بأقامة القیم علی القاصر او السفیه و هذه حکمة و متی بلغت الامة رشدها استرجعت عزها و هذا عدل و هكذا لا یظلم الله الناس بل الناس هم انفسهم یظلمون.»

«کواکبی در ترازوی نقد»:

تحقیقات و پژوهشهایی که در مورد شخصیت و افکار کواکبی عرضه شده با یکدیگر در تناقضند. در حالی که گروهی از محققان وی را از اصلاحگران رده اول قرن نوزدهم می‌خوانند و با تعبیرهایی چون «چیره‌دست‌ترین نویسنده در سیاست و جامعه‌شناسی» (مواکب الادب العربی عبرالعصور، عمرالدقاق، ص ۱۹۶-۱۹۷-۲۵۵-۲۵۶ و...) شخصیت منحصر به فرد (جورج کتوره، طبائع الکواکبی فی طبائع الاستبداد، ص ۱۴۵-۱۴۸)؛ و دیگرانی هستند که او را متهم به سرسپردگی کرده افکار و اندیشه‌های جدید وی را دستمایه تأثیر از دانشمندان غربی و در قدمی فراتر وی را نوآوری می‌خوانند که آب به آسیاب دشمن می‌ریزد (محمد محمدحسین، از مة العصر، ص ۲۳-۲۷).

همچنین برخی وی را از بانیان نظریه جدایی دین از سیاست می دانند. (محمد محمدحسین، همان و جان دایه، الامام الكواکبی، فصل الدین عن الدوله، ص ۲۱ و بیشتر صفحات کتاب).
حقیقت این است که شخصیت کواکبی را باید در دو اثرش جست، آنچه در بین این به ظاهر تضادها و تناقضها به چشم می خورد شخصیتی است دردمند و جویای درمان که هستهای موجود حکومتی را با بایدها همسو ندیده لذا یکجا ندای تفرقه بین چنین حکومت ناکاری با دین را سرداده و جای دیگر همگان را به سوی خط و مشی با اصالتی که اولین مجری آن پیامبر(ص) می باشند فرا می خواند.
به تعبیر بهتر کواکبی سعی دارد تا چشمها را بشوید تا مسلمانان با نگاهی تازه به اطراف، حکومت ظلم را با معیار عدل محک زده خودآگاه مظاهر آن را فرو پاشند.
کواکبی دینداری است که به قرآن و سیره متعهد و معتقد است. اما آنچه در عصر خود از رجال دینی می بیند تقویت حکومتی است که برای مردم ارزشی قایل نبوده خودکامگی و خودمحوری را اساس کار خود قرار می دهد.
او به نقد دین نمی اندیشد بلکه تفکری را که فاقد جنبه پویایی بوده به مسأله مهم تطابق دین با زمان واقعی نمی نهد مردود می شمارد... در عین حال اقتدا به شیوه و سیره اهل بیت(ع) قوت بحثهای او را تشکیل می دهد. در مبحث شرف و بزرگواری وی می گوید:

«ان المجد مفضل علی الحیاة عند الاحرار و حب الحیاة ممتاز علی المجد عند الاسراء و علی هذه القاعدة یکون ائمة آل البیت علیهم السلام معذورین فی القائهم بانفسهم فی المهالك لانهم كانوا احرارا ابراراً یمیزون طبعاً الموت کراماً علی حیاة ذل و ریاء.» (طبائع، ص ۵۷)

نتیجه:

سخنان کواکبی موجی از نوآوری در معنا و مضمون به دنبال دارد. گرچه در شیوه نیز با آسان‌گویی آمیخته به فصاحت و موسیقای زنده کلام در جان مخاطب به

شیرینی خواهد نشست. ادبیات وی را از یک زاویه در رده ادبیات سیاسی-اجتماعی می‌انگارند و از سوی دیگر فن تعلیمی را از ویژگیهای بارز قلم وی می‌دانند و این خصوصیت عمده ادب اجتماعی است که ساده‌گویی و دوری از ابهام را پیشه سازد تا با مخاطبانش بهترین رابطه را برقرار نماید.

منابع:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ادونیس و خالد سعید، الکواکبی، ج ۱، دارالعلم للملایین، بیروت ۱۹۸۲ م.
- ۳- الاشر عبدالکریم، تعریف بالنثر العربی الحدیث، مطبعة ابن حیان، دمشق، ۱۹۸۳.
- ۴- برکات ناصر سلیم، دراسات فی الفکر العربی الحدیث و المعاصر، ج ۱، سوریه، منشورات، جامعة دمشق-۱۹۹۴.
- ۵- خفاجی، الحیاة الادبیه بعد سقوط بغداد حتی العصر الحدیث، ط ۱، دارالجلیل، بیروت، ۱۹۹۰ م.
- ۶- حسین، محمد محمد، ازمة العصر، ط ۳، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۹۸۷ م.
- ۷- دایه، جان، الامام الکواکبی، فصل الدین عن الدوله، ط ۱، دارسوراقیا، المملكة المتحدة، ۱۹۸۸ م.
- ۸- الدقاق عمر، مواکب الادب العربی عبرالعصور، ط ۱، دمشق، دارطلاس، ۱۹۸۸ م.
- ۹- الزرکلی، خیرالدین، الاعلام، ج ۳، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۴ م.
- ۱۰- الشاذلی، عبدالسلام محمد، شخصیه المثقف فی الروایة العربیة الحدیثه، ط ۱، دارالحدائث، لبنان، ۲۹۸۵ م.
- ۱۱- شریعتی، علی CD
- ۱۲- شیخو لويس، تاریخ الآداب العربیة، (۱۸۰۰-۱۹۲۵ م)، ج ۳، دارالمشرق، بیروت، ۱۹۹۱ م.
- ۱۳- عنایت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی عرب، ج ۲، تهران، سپهر، ۱۳۵۸، ه.ش.
- ۱۴- الفاخوری، حنا، الجامع، الادب الحدیث، ط ۲، دارالجلیل، بیروت، ۱۹۵۵ م.
- ۱۵- الکواکبی عبدالرحمن، طبائع الاستبداد و مصارع الاستعباد، بقمدمة اسعدالسمحرانی، ط ۲، دارالنفائس، بیروت، ۱۹۸۶ م.
- ۱۶- کتوره، جورج، طبائع الکواکبی فی طبائع الاستبداد، ط ۱، المؤسسه الجامعیه، بیروت، ۱۹۸۷ م.
- ۱۷- المقدسی، انیس، الاتجاهات الادبیه فی العالم العربی الحدیث، ط ۸، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۸ م.
- ۱۸- موسی، منیف، الشعر العربی الحدیث فی لبنان، ط ۱، بیروت، دارالعودة، ۱۹۸۰ م.